

نظام اخوت و برادری دینی در منظر قرآن و حدیث

محمدامین خوانساری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹

چکیده

«اخوت» یا «برادری دینی» از جمله تأکیدات اخلاق اسلامی است که براساس آن رابطه و پیوند ایمانی بین افراد شکل می‌گیرد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، واکاوی ریشه‌های نظام اخوت و برادری دینی در اخلاق مأثور است. براین اساس، با روش توصیفی تحلیلی و با تأکید بر قرآن و حدیث به تبیین اخلاق مسئولانه برپایه اخوت پرداخته شده و مسئولیت اخلاقی مبتنی بر برادری دینی در منظر آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام تبیین شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در اخلاق مأثور، مسئولیت‌پذیری انسان‌ها در قبال یکدیگر، صرفاً به دلیل روابط شخصی و نسبی یا نژادی و قبیله‌ای نیست، بلکه پیوندهای ایمانی تأثیرگذار در مسئولیت‌پذیری اخلاقی است. برادران ایمانی باید بکوشند از خودمحوری، غرایز شخصی و رذایل اخلاقی تصفیه شوند و برپایه سرشت دیگرخواهانه و خداخواهانه و معیار بودن حب و بغض الهی، پیوند مؤمنانه در جامعه داشته باشند. ریشه مسئولیت‌پذیری برخاسته از نظام اخوت و برادری دینی، صرفاً تشریعی نیست، بلکه امری تکوینی است که خداوند متعال، در نهان انسان گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اسلامی، نظام اخوت، برادری دینی، دیگرخواهی، مسئولیت دینی، حب و بغض الهی.

مقدمه

بررسی موارد کاربرد کلمه «أخ» در قرآن و حدیث نشان می‌دهد که این واژگان شامل هرنوع پیوند نسبی و سببی هستند. هرفرد با کسی، پیوند و ارتباط نزدیک داشته باشد، برادر آن

۱. استادیار پژوهشگاه قرآن و حدیث (khansari.m@riqh.ac.ir).

شمرده می‌شود. این موارد، از جمله پیوندهایی هستند که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است: پیوند نسبی، پیوند رضاعی، پیوند دینی، پیوند مودت و دوستی، پیوند قبیله‌ای، پیوند مصاحبت، پیوند مشابعت، پیوند هماهنگی از جمله این موارد هستند.^۱

در برخی از گزاره‌های قرآن و حدیث، مؤمنان به عنوان «برادر دینی» توصیف شده‌اند و بر اساس این پیوند معنوی، وظایف، مسئولیت‌ها و تکالیفی نسبت به یکدیگر دارند. مسئولیت اخلاقی مبتنی بر برادری دینی، از ابتکارات ویژه نظام اخلاقی اسلام است که انسان‌ها را فارغ از تعلقات شخصی و نسبی ملزم به پذیرش مسئولیت در قبال یکدیگر می‌کند. خداوند متعال برادری را میان مؤمنان قرار داده و آن‌ها را موظف ساخته که در ارتباط و سازش با برادران ایمانی خود کوشا باشند.

این «پیوند دینی» از تأکیدات و بنیان‌های اصلی اسلام است که هدف از آن، تشکیل امت اسلامی واحد است. در این پژوهش، با روشی توصیفی-تحلیلی و رویکردی اخلاقی، مفهوم اخوت و برادری دینی را در قرآن و حدیث بررسی و تبیین خواهیم کرد.

پرسش اصلی این است که ریشه و دلیل نظام اخوت و برادری دینی در اخلاق مأثور و نقلی چیست؟ اگر در اخلاق اسلامی افراد را بر اساس اصل برادری دینی مسئول و مسئولیت‌پذیر بدانیم، چه اسباب و دلایلی وجود دارد؟ این دلایل جنبه تشریعی دارند یا تکوینی؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، آیات و روایات مرتبط از منظر اخلاقی تحلیل و بررسی خواهند شد تا برپایه آن‌ها فلسفه نظام اخوت و برادری دینی در اخلاق نقلی تبیین شود.

پیشینه پژوهشی درباره اخوت و برادری دینی

اخوت و برادری از مفاهیم رایج در فرهنگ اسلامی بوده و دیدگاه‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. پیشینه این بحث را در دیدگاه برخی اندیشمندان اخلاق مسلمان و برخی مقالات علمی بررسی خواهیم کرد تا وجه تمایز پژوهش حاضر با آن‌ها روشن شود.

عالمان اخلاق مسلمان، مباحث و ابواب جداگانه‌ای در باب اخوت و برادری دینی در حوزه اخلاق داشته‌اند. غزالی در کتاب پنجم، از ربع عادات، به «آداب الألفة والأخوة و الصّحبة و المعاشرة مع أصناف الخلق» پرداخته است و به طور جداگانه از فضیلت الفت و اخوت و حقوق اخوت و صحبت سخن به میان آورده است.^۲

۱. رک: دانش‌نامه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۱۰-۱۲.

۲. احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۳۹.

فیض کاشانی نیز برادری و اخوت دینی را بخشی از مصاحبت‌ها و دوستی‌های اختیاری انسان می‌داند که منشأ آن، قصد انسان است. براساس دسته‌بندی وی، برادری و مصاحبت با دیگران، براساس متعلق آن - که همان انسان‌های دیگر باشند - اقسام چهارگانه‌ای دارد که به تفصیل به آن‌ها می‌پردازد.^۱

در الاخلاق شبر نیز بابتی به اُلفت و برادری اختصاص داده شده است. در این منظر، اُلفت و برادری از نعمت‌های الهی است که در دل‌های مسلمانان نسبت به یکدیگر قرار داده شده است. مصاحبت و معاشرت یک انسان با دیگران ممکن است به صورت «معاشرت غیراختیاری» باشد (مانند معاشرت با همسایگان، هم‌سفران یا دیگر افرادی که در اجتماع با آن‌ها برخورد می‌کند) یا «معاشرت اختیاری»؛ یعنی مصاحبت‌هایی که با قصد و اراده فاعل انجام می‌شوند. در خصوص معاشرت اختیاری، پیوند برادری مورد تأکید قرار گرفته و «شایسته پاداش الهی» دانسته شده است.^۲

پژوهش‌هایی نیز در روزگار ما به مسئله اخوت و برادری و تأثیر آن در حوزه‌های مختلف علوم پرداخته‌اند. مقاله «اخوت ایمانی در آموزه‌های اسلامی» از جمله پژوهش‌هایی است که به طور عام به اخوت در متون اسلامی پرداخته است. این مقاله، با هدف بررسی و بازگویی راه‌ها و کاربردهای اخوت در قرآن و بیان مؤلفه‌های آن، به شیوه‌های تحکیم برادری و اخوت و نیز آسیب‌های آن پرداخته و مهم‌ترین وظایف و حقوق متقابل برادری در جامعه ایمانی را یادآور می‌شود.^۳

«اخوت انسانی و پیامدهای اخلاقی آن در عرصه جهانی (برپایه اندیشه آیه‌الله جوادی آملی)» به جنبه اخلاقی اخوت انسانی در سطح جهانی پرداخته است. نگارنده معتقد است که اخوت انسانی براساس مؤلفه‌های مشترک و فراگیر فطری میان انسان‌ها شکل می‌گیرد؛ از این رو می‌تواند اخلاقی حداقلی ایجاد کند که همزمان در عرصه عمومی جهانی نیز مؤثر باشد.^۴

در مقاله‌ای با عنوان «نظریه سازمانی و مدیریتی مبتنی بر اصل اخوت» به اصل اخوت و نقش کلیدی آن در رشد و تعالی سازمان پرداخته شده است. نگارنده تلاش کرده است با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر آیات و روایات، آثار و کارکردهای اخوت را در

۱. رک: المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۲۹۳-۳۰۲.

۲. رک: الاخلاق، ص ۱۴۹-۱۵۳.

۳. «اخوت ایمانی در آموزه‌های اسلامی»، ص ۱۸۷-۲۱۲.

۴. «اخوت انسانی و پیامدهای اخلاقی آن در عرصه جهانی (برپایه اندیشه آیه‌الله جوادی آملی)»، ص ۷-۲۵.

حوزه سازمانی و مدیریتی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.^۱

مقاله‌ای با عنوان «اخوت دینی مخالف در فقه امامیه» به تأثیرات اخوت در تقریب مذاهب اسلامی پرداخته است. این مقاله با روش تحلیل محتوا درصدد نشان دادن این نکته است که اکثر ادله ارائه شده از سوی طرفداران نفی اخوت دینی با مخالف، یا از نظر متن و سند مخدوش بوده و عمل به آن‌ها از سوی فقهای امامیه مردود شناخته شده است، یا از جهت دلالت، اخص از مدعای مورد نظر است؛ چنان‌که بیشتر فقهای امامیه با اثبات اسلام و درجاتی از ایمان، اخوت دینی با مخالف را ثابت می‌دانند.^۲

تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌هایی که ذکر شد، این است که پژوهش حاضر صرفاً به دنبال تبیین کلی از اخوت نیست، بلکه منظر و مسئله اخلاقی درباره اخوت و برادری دینی را پیگیری می‌کند. همچنین تلاش شده که منبع اصلی، گزاره‌های قرآن و حدیث باشد و به همین جهت، مسائل مرتبط با آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

اخوت مسیر گذر از خودخواهی به دیگرخواهی

از منظر اخلاق نقلی، اخوت و برادری دینی، مسیری است که با ایجاد پیوند میان انسان‌ها، پیوند حقیقی میان آنان برقرار می‌کند و آن‌ها را در قبال یکدیگر مسئولیت‌پذیر می‌نماید. در این مسیر، با ابطال نظام‌های پیشین که عمدتاً مبتنی بر منافع شخصی و گروهی یا تعصب‌های قبیله‌ای و نژادی بوده است، انسان به مسیر اخوت و پیوند دینی دعوت می‌شود.

در آیات قرآن کریم به این نظام اخوت در اسلام تصریح شده است. خداوند در آیه ۵ سوره احزاب به ابطال رسوم پیشین و جایگزین ساختن نظام جدیدی می‌پردازد. اسلام با تشریع قانون برادری دینی، از یک سو با تعصب‌های ناروای نژادی، قبیله‌ای و حزبی به مبارزه برخاست و از سوی دیگر، قوی‌ترین و کارآمدترین پیوندهای اجتماعی و سیاسی را در امت اسلامی به وجود آورد. در این منظر، انسان‌ها از ریشه‌ای واحد دانسته شده‌اند که هدفی واحد دارند و در قبال یکدیگر مسئولیت‌پذیرند.^۳

در سوره حجرات، مؤمنان برادر یکدیگر وصف شده‌اند و باید میان آن‌ها سازش ایجاد کرد:

۱. «نظریه سازمانی و مدیریتی مبتنی بر اصل اخوت»، ص ۸۹-۱۱۱.

۲. «اخوت دینی مخالف در فقه امامیه»، ص ۱۷۸-۲۰۵.

۳. سوره احزاب، آیه ۵.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾.^۱

عبارت ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ به حقیقتی اعتباری اشاره دارد. خداوند متعال قانونی را در میان مسلمانان مؤمن تشریع می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود؛ آن نسبت، نسبت برادری است. قرابت و نسبت اعتباری، متفاوت از قرابت طبیعی است، هرچند گاهی هر دو با هم جمع می‌شوند. اطلاق «اخوت» درباره مؤمنان، اطلاقی مجازی یا تشبیه نیست، بلکه دارای آثار و لوازمی است.^۲

نکته‌ای که درباره نظام اخوت و برادری دینی وجود دارد، این است که برادری دینی بر برادری نسبی یا طبیعی رجحان دارد. امکان دارد انسان در قبال برادر دینی مسئولیتی داشته باشد، اما در همان وضعیت و موقعیت نسبت به برادر نسبی مسئولیتی نداشته باشد. از منظر اخلاق اسلامی، شاید انسان به اقتضای طبیعت دل در گرو منافع شخصی، نژادی یا خویشاوندی داشته باشد، اما در مواردی که تعارض با قواعد و اصول دینی دارد، باید آن را نادیده بگیرد. داستان حضرت نوح و پسرش، این مسئله را به خوبی ترسیم می‌کند. حضرت نوح از پروردگار درخواست کرد که «پسر من از خاندان من است» و وعده الهی درباره نجات خاندانش شامل وی نیز شود، اما پاسخ داده شد که «او از اهل تو نیست؛ زیرا عمل غیر صالحی دارد»:

﴿وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ * قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾.^۳

بر اساس آیه شریفه، پیوند مکتبی بر پیوند خانوادگی و خویشاوندی حاکم است: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» (دلیل نجات گروهی از غرق شدن، ایمانشان به نوح بود، نه چیز دیگر). به همین دلیل است که در سیره و روایات پیامبر اکرم ﷺ نیز مشاهده می‌کنیم که در مواردی فردی مانند حضرت سلمان از اهل بیت ﷺ محسوب می‌شود، اما بر ابولهب، عموی پیامبر، نفرین نثار می‌شود.

روایات بسیاری از پیامبر و ائمه علیهم السلام به ما رسیده است که با عبارت «لیس منا» آغاز

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۱۵.

۳. سوره هود، آیه ۴۵-۴۶.

می‌شود؛ یعنی «از ما نیست»، مانند:

مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فَلَيْسَ مِنَّا،

مَنْ أَكْرَمَ النَّاسَ اتِّقَاءَ شَرِّهِ فَلَيْسَ مِنِّي،

مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.^۱

براین اساس، اصول و قواعد اخلاقی و دینی بر عواطف و احساسات شخصی یا روابط خویشاوندی و گروهی ترجیح دارند. فردی که خیانت کار باشد، مسئولیت پذیر نباشد و موجبات احترام از روی ترس را فراهم کند، از دایره برادری دینی خارج است. برادران دینی در جامعه دینی همانند پیکرواحد شمرده می‌شوند؛ اگر عضوی از آن صدمه یا دردی ببیند، دیگر اعضا در آرامش نخواهند بود. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که مؤمنان همانند تن واحدی هستند که دیگران با آن همنوایی می‌کنند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَكُونُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ كَمَنْزِلَةِ رَجُلٍ وَاحِدٍ، إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ مِنْ جَسَدِهِ تَدَاعَى سَائِرُ جَسَدِهِ؛^۲

مؤمنان شایسته است با یکدیگر همانند یک تن باشند که هرگاه عضوی از بدن او به درد آید، دیگر اعضای بدن نیز با آن همنوایی می‌کنند.

در روایاتی از امام صادق علیه السلام تعبیر مختلفی در این باره وجود دارد که مؤمنان مثل پیکرو جسم واحدی هستند که اگر عضوی به درد آید، اعضای دیگر نیز آن را احساس می‌کنند:

الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى؛^۳

مؤمنان در احسان و نیکی، مهربانی و دلسوزی، همدردی و علاقه همانند یک جسم هستند که چنانچه بر عضوی از آن دردی و ناراحتی پیش آید، همه بیدار و در سوخت و گداز قرار می‌گیرند.

۱. تفسیر نور، ج ۴، ص ۶۶

۲. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۵۴، ح ۷۶۶.

۳. المؤمن، ص ۳۹.

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَأَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ، وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا؛^۱

مؤمن، برادر مؤمن است و همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضایش نیز آن درد را در خود، احساس می کنند. روح آن دو مؤمن، از یک روح است و اتصال روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از اتصال پرتو خورشید به خورشید است. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنَوُا بَنِيَّ وَأُمَّ، وَإِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهْرَلَهُ الْآخِرُونَ؛^۲ مؤمنان برادرند و فرزندان یک پدر و مادرند. هر گاه در یکی از آنان رگی [از درد] بزند، دیگران نیز برای او بی خوابی می کشند.

براساس فرمایش امام باقر (ع)، پیوند برادرانه مؤمنان، ریشه در خلقت و طینت آنان دارد. در نتیجه، ریشه مسئولیت، برادری و پیوند مؤمنانه، در طینت و فطرت افراد نهفته است. خداوند متعال، مؤمنان را از گِل بهشت آفریده و از نسیم روح خود در آنان دمیده است. این وحدت و یگانگی، موجب مسئولیت پذیری میان افراد و همچنین پیوندی ناگسستنی میان مؤمنان می گردد:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَانِ، وَأَجْرِي فِي صُورِهِمْ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ؛ فَلِذَلِكَ هُمْ إِخْوَةٌ لِأَبٍ وَأُمٍّ؛^۳

مؤمن، برادر پدر و مادری مؤمن است؛ زیرا خداوند عز و جل مؤمنان را از گِل بهشت آفرید و در صورت ها [و کالبدها] ی آنان از نسیم بهشت روان ساخت. از این رو، آنان، برادرانی از یک پدر و مادرند.

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَانِ وَأَجْرِي فِيهِمْ مِنْ رِيحِ رُوحِهِ؛ فَلِذَلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ، فَإِذَا أَصَابَ رُوحاً مِنْ تِلْكَ الْأَرْوَاحِ فِي بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ حُزْنٌ حَزِنَتْ هَذِهِ لِأَنَّهَا مِنْهَا؛^۴

خداوند عَزَّ وَجَلَّ مؤمنان را از گِل بهشت آفرید و از نسیم روح خود، در آن روان ساخت. به همین دلیل، مؤمن، برادر پدری و مادری مؤمن است. پس هر گاه در شهری از شهرها

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۲۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۲۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۲۴.

۴. همان جا.

به یکی از آن روح‌ها اندوهی برسد، دیگر روح‌ها اندوهگین می‌شوند؛ چون او از آن‌هاست.

اما از سوی دیگر، نکته‌ای شایان توجه این است که گذر از خویشتن، آسان نیست. متون دینی نیز به این دشواری اشاره دارند و شاید بتوان نقطه آغاز اخلاق عملی را همین تهذیب نفس دانست؛ جایی که انسان باید خودش را از «خود» به «دیگری» و در نهایت به «اجتماع» می‌رساند. از همین رو، در گزاره‌های دینی همواره بر این نکته تأکید شده است که انسان باید در برخی موارد، نفس خویش را به تهذیب و انجام کار نیک مجبور کند. او باید خود را وادار کند تا با دیگری پیوند برقرار کند؛ اگر دیگری بخل ورزد، او بخشش نماید؛ اگر دیگری نافرمانی کند، او فرمانبردار باشد؛ و اگر دیگری دوری گزیند، او برای ایجاد پیوند تلاش کند.

الإمام علی (ع): احْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ عِنْدَ صَرْفِهِ عَلَى الصَّلَاةِ... وَعِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَدَلِ... وَإِيَّاكَ أَنْ تَضَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ، أَوْ أَنْ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ؛^۱

چون برادرت از تو ببرد، خود را به پیوند با او وادار... و چون بخل ورزد، از بخشش دریغ مدار... مبدا این نیکی را در آن جا کنی که نباید، یا درباره آن‌کس که نشاید.

انسان باید بکوشد تا از خودخواهی، خودمحوری و طمع در قبال دیگران رهایی یابد و برادران دینی خود را همانند پیکری واحد بدانند. ریشه مسئولیت‌پذیری انسان، هم در امور تکوینی نهفته است و هم در امور تشریعی. از یک سو، در طینت انسان، پیوند و تعلق خاطر به دیگران نهاده شده است و از سوی دیگر، خداوند متعال نعمت اُلفت و برادری را در قلوب انسان‌ها قرار داده تا در برابر یکدیگر، مسئولانه رفتار کنند.

انسان باید برای پایداری و ثبات در مسئولیت‌ناشی از برادری، از رذایل خودخواهانه‌ای همچون حرص و طمع بگذرد؛ چراکه برادری، مودت و دوستی، با وجود این صفات ناپسند، دوام نمی‌یابد. این مسیر، آغاز دیگرخواهی و گذر از خودمحوری است. از همین رو، در بسیاری از روایات باب «اخوت»، پرهیز از رذایلی همچون طمع، حسادت و سایر آسیب‌های اجتماعی که روابط میان دو برادر دینی را خدشه‌دار می‌سازد، مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

البته این گذر از خویشتن و پرداختن به دیگران، پیامدهایی برای خود فرد هم دارد. در

۱. نهج البلاغة، نامه ۳۱.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۲.

گزاره‌های دینی، به فواید و پیامدهای اخوت و برادری، بی‌توجهی نشده است. براساس روایتی:

برادری که از او بهره‌گیری، بهتر از برادری است که تنها بر شمار برادرانت می‌افزاید.^۱

براساس روایات نبوی:

هیچ مرد مسلمانی، بعد از فایده اسلام، فایده‌ای همانند به دست آوردن برادری دینی

نبرده است.^۲

این فواید، صرفاً به امور دنیایی محدود نمی‌شوند، بلکه برادری دینی در دنیا و آخرت، آثار و برکات بی‌شماری دارد که در متون روایی به آن‌ها اشاره شده است.^۳ نکته مهم آن است که اخوت و برادری انسان، متوقف یا معلّل به این پیامدها و فواید نیست، بلکه به هر حال، دارای آثار فردی و اجتماعی فراوانی است که در منابع دینی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

حب و بغض فی الله

«حبّ و بغض فی الله» در بسیاری از گزاره‌های دینی، به عنوان معیاری در روابط و مسئولیت‌های اجتماعی مطرح شده و نقش اساسی در مسئولیت اخلاقی نسبت به برادران دینی دارد. افرادی که محبت الهی دارند، اخوت با آنان باید همراه باشد، و کسانی که بغض الهی دارند، قابلیت برادری دینی را ندارند. چه بسیار افرادی مانند فرزند نوح، که به واسطه «بغض فی الله» شایستگی آن را ندارند که انسان نسبت به آن‌ها دغدغه‌مند باشد، و مسئولیت در قبال ایشان، حتی از سوی پدرشان نیز منتفی است. و چه بسیار مؤمنانی که باید به واسطه «حب فی الله» در قبال آن‌ها احساس مسئولیت داشت.

خداوند متعال میان مؤمنان، برادری قرار داده است و آن‌ها را موظف به سازش و صلح با یکدیگر کرده است. از همین رو، در ادبیات قرآنی، در پیوندهای برادرانه، نقش ایمان و محبت الهی پررنگ است. این وظیفه‌ای است برای مؤمنان که در پیوند و سازش با برادران ایمانی خود بکوشند. خداوند متعال، و ایمانی که در دل‌ها پدید آمده، نقش اساسی در این پیوند و مسئولیت دارد. از این رو، در آیات قرآن کریم، مسئولیت برادری، از جمله نعمت‌ها و الطاف الهی به شمار می‌آید که دل‌ها را به یکدیگر پیوند داده است:

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۳.

۲. الأملی (طوسی)، ص ۴۷.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۷.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...﴾^۱

برای برقراری این نعمت و لطف، باید به «حبل الله» چنگ زد. درباره حبل الله، از منظر برخی تفاسیر، چند قول مطرح شده است: «حبل الله همان قرآن است»، «مراد دین اسلام است»، و «مراد، ائمه هستند». مرحوم طبرسی در مجمع البیان، آیه را بر همه این معانی حمل کرده‌اند. مؤید این جامع‌نگری، روایتی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

ای مردم، من دو ریسمان محکم برای شما به یادگار نهاده‌ام که اگر به هر دوی آن‌ها چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد. یکی از دیگری بزرگ‌تر است: یکی کتاب خدا، قرآن، است که از آسمان به زمین کشیده شده، و دیگری عترت و اهل بیت من‌اند. این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا بر حوض (کوثر) بر من وارد شوند.^۲

بنابراین، محوریت و بقای اخوت دینی بر «ثقلین» استوار است. مسلمانان باید حول محور آن‌ها با یکدیگر متحد باشند و مسئولیت‌های برادرانه دینی نیز در پرتو آن استمرار یابد. الفت و برادری، از نعمت‌های الهی است که خداوند در دل‌های مسلمانان نسبت به یکدیگر قرار داده است؛

چراکه آنان را همچون اعضای یک پیکر، در درد و رنج و سرور و شادمانی، شریک ساخته است. به طور کلی می‌توان گفت یکی از شاخصه‌های برجسته یک جامعه اسلامی، بروز همین نعمت بزرگ الهی است. چنان‌که تنها جامعه‌ای که قرآن کریم آن را با وصف «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» معرفی می‌کند، جامعه مسلمانان است.^۳

اصلاح پیوند و ایجاد صلح و سازش میان دو نفر، دو قبیله یا دو طرز فکر، از جمله متعلقات مسئولیت اخلاقی به شمار می‌آید. انسان‌ها در قبال ایجاد پیوند برادری میان افراد، مسئول‌اند. در نزاع میان دو طرف، عامل اخلاقی موظف به اصلاح و آشتی میان آن‌هاست؛ چراکه مؤمنان برادر یکدیگرند و باید میان برادران خویش اصلاح و تنظیم‌گری نمایند. در خصوص محبت الهی، در روایات متعددی آمده است که انسان باید به خاطر خداوند متعال، برادران دینی خود را برگزیند و با آنان برادری ورزد:

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۸۹.

۳. الاخلاق، ص ۱۴۹.

امام علی علیه السلام: وَأَخِ الْإِخْوَانَ فِي اللَّهِ، وَأَحِبِّ الصَّالِحَ لِصَالِحِهِ؛^۱

با برادران به خاطر خدا برادری کن، و انسان نیک را به خاطر نیک بودنش دوست بدار.

بالتواخي في الله تثمر الأخوة.^۲

با برادری ورزیدن به خاطر خداست که برادری به بار می نشیند.

همچنین در روایات تأکید بر این شده که در مقابل قطع رابطه برادر باید با وی پیوند برقرار

کرد و در مقابل نافرمانی وی، از او فرمان بُرد:

الامام علی علیه السلام: لَا يَكُونَنَّ أَخُوكَ أَقْوَى عَلَى قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَى صَلَاتِهِ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَى
الإساءة أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْإِحْسَانِ؛^۳

نباید توانایی برادرت در قطع رابطه با تو بیشتر از توانایی تو در پیوند با او باشد و نباید

توانایی او بر بدی کردن بیشتر از توانایی تو بر نیکی کردن باشد.

الامام علی علیه السلام: أَطِغْ أَخَاكَ وَإِنْ عَصَاكَ، وَصِلْهُ وَإِنْ جَفَاكَ؛^۴

از برادرت فرمان ببر، هر چند او تو را نافرمانی می کند. و با او پیوند برقرار کن، هر

چند او از تو دوری می گزیند.

تعبیر به «فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» - که در آیات قرآن کریم آمده است - تعبیری لطیف درباره

«مساوات افراد یک جامعه با محکم ترین پیوندهای عاطفی» است؛ زیرا روشن ترین و نزدیک ترین

پیوند عاطفی در انسان - که از مساوات کامل برخوردار است - پیوند دوبرادراست.^۵

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَتُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَعْلَمُونَ﴾.^۶

﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ﴾.^۷

در این جا لازم است نکته ای درباره «حُبِّ فِي اللَّهِ» و نقطه مقابل آن، یعنی «بَغْضِ فِي اللَّهِ» و

۱. الأمالی (طوسی)، ص ۸.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۹۸.

۳. نهج البلاغة، نامه ۳۱.

۴. تحف العقول، ص ۸۶.

۵. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۰۹.

۶. سوره توبه، آیه ۱۱.

۷. سوره احزاب، آیه ۵.

نقش آن در برادری دینی مطرح شود؛ چراکه این دو، از معیارهای بنیادین در تنظیم روابط انسانی و مسئولیت‌های اجتماعی در اخلاق دینی‌اند.

پرسشی که در این زمینه قابل طرح است، این است که چرا «بغض» در کنار «حب» معیار برادری و اخوت الهی قرار گرفته است؟ چرا اخلاق اسلامی، بردوگانگی حب و بغض تأکید دارد و به همان میزان که مؤمنان را به دوستی با انگیزه الهی فرا می‌خواند، آنان را به دشمنی برای خدا نیز ترغیب می‌کند و دشمنی در راه خدا را همچون دوستی برای او، واجب و از برترین اعمال دینی و اخلاقی می‌داند؟

برای پاسخ به این پرسش، می‌توان دیدگاه‌های متعددی ارائه کرد، اما از منظر اخلاق اسلامی، می‌توان چنین گفت که این نظام اخلاقی می‌کوشد تا بنیان برادری و دوستی میان انسان‌ها را از خودخواهی به خداخواهی سوق دهد. از این منظر، ریشه بسیاری از دشمنی‌ها و فسادهای فردی و اجتماعی، در خودمحوری و منافع شخصی و گروهی نهفته است. برای درمانی ریشه‌ای، باید از خودخواهی عبور کرد و به خداخواهی رسید. تا انسان، خدا را دوست نداشته باشد، از خویشستن نگذرد، و تا از خویشستن نگذرد، نمی‌تواند به راستی دیگری را دوست بدارد.

به تعبیر دیگر، خداخواهی یعنی محبت به خداوند. هرگاه محبت به خدا در دل انسان جای گیرد و معیار ارتباطات اجتماعی گردد، بی‌درنگ میان او و سایر مؤمنانی که در مسیر الهی‌اند، محبت و پیوندی پایدار شکل خواهد گرفت. در مقابل، اگر فردی بی‌اعتنا به خداوند باشد، چنین محبتی - هرچند خویشاوندی ظاهری نیز وجود داشته باشد - از دل مؤمن زدوده خواهد شد.

بر همین اساس، حکمت «بغض فی الله» نیز روشن می‌شود. این بغض، برخاسته از حسد، کینه‌توزی یا خصومت‌های شخصی و گروهی نیست، بلکه نشئت گرفته از محبت به خداوند است. دشمنی برای خداوند، همچون دوستی برای او، سرچشمه انواع خیرات فردی و برکات اجتماعی است. مؤمن باید نسبت به کسانی که به خداوند بی‌اعتنا هستند یا کفر می‌ورزند، احساس بیگانگی و دوری داشته باشد. این بغض، خود شکلی از مسئولیت‌پذیری در برابر هستی و خالق هستی است.

البته باید توجه داشت که خداوند، بی‌نیاز از حب و بغض‌های انسانی است؛ این انسان است که برای داشتن زیست اخلاقی و مسئولانه، نیازمند بهره‌گیری از این معیارهای دینی و

الهی است. از این‌رو، مقتضای محبت حقیقی به جامعه انسانی، دشمنی با کسانی است که حریم الهی و در نتیجه، حرمت انسانیت را نادیده می‌گیرند.

افزون بر این، اصولاً دشمنی، ریشه در دوستی دارد. محبت حقیقی همواره با دشمنی نسبت به ضد آن همراه است. انسان به هر چیزی که مهرورزد، به طور طبیعی از نقیض آن بیزار خواهد شد. نمی‌توان کسی را به راستی دوست داشت، اما دشمن او را دشمن نداشت. دشمنی با دشمنان خدا، در حقیقت، یکی از روشن‌ترین نشانه‌های صداقت در دوستی با اوست. از این‌رو، در منابع اسلامی، «بغض فی الله» در کنار «حب فی الله» به عنوان ستون‌های اصلی روابط اخلاقی مؤمنان مورد تأکید قرار گرفته‌اند.^۱

اسلام، دین محبت، الفت و برادری است. تشریع قانون اخوت دینی، تأکید بر وجوب مهرورزی میان مسلمانان، و تبیین آثار و برکات مادی و معنوی آن در سامان یافتن جامعه، همگی تلاشی است در جهت ساختن جامعه‌ای که هریک از افراد آن، دیگری را همچون عضوی از پیکر خود احساس کند. با این حال، رسیدن به چنین آرمانی بلند، تنها از یک مسیر امکان‌پذیر است: تربیت انسان‌هایی که یکدیگر را برای خدا دوست بدانند، نه از سر منافع شخصی، قومی، یا دنیوی.

به بیان دیگر، دوستی و برادری ورزی با انگیزه الهی، تنها راه ریشه‌کن کردن اختلافات، دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها و نیز مقدمه‌ای ضروری برای تحقق جامعه آرمانی برپایه محبت است. بدون این انگیزه الهی، بشر هیچ‌گاه به زندگی مطلوب و سعادت‌مندانه دست نخواهد یافت.

در این میان، ولایت الهی در مؤمنان، برپایه معرفت و محبت عقلانی استوار است. این نوع محبت، برخلاف محبت‌های برخاسته از شهوت، احساس یا گرایش‌های غریزی، ناشی از شناخت عقلانی و باور آگاهانه نسبت به خداوند و اولیای الهی است. فرد مؤمن، برپایه این معرفت، به خدا و اولیای او عشق می‌ورزد و در برابر آن‌ها احساس مسئولیت می‌کند.

گرچه محبت به معنای دقیق، امری اختیاری نیست، اما مقدمات آن اختیاری و قابل مدیریت است. چنانچه این مقدمات با تدبیر عقلانی همراه باشند، حاصل آن محبت عقلانی خواهد بود؛ محبتی که در دل ایمان، ریشه می‌دواند و رشد می‌یابد. این محبت، رابطه‌ای دوسویه را پدید می‌آورد که در آن، هم مؤمن رشد می‌کند و هم جامعه‌ای که برپایه

۱. دانش‌نامه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۵۹-۶۴.

چنین ایمانی بنا می‌شود، به کمال و شکوفایی نزدیک ترمی‌گردد:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾.^۱

مؤمنان با تبعیت از پیامبر ﷺ، محبت خداوند را جلب می‌کنند. امامان (علیهم‌السلام) نیز اسوه‌ها و اولیای اخلاقی محبت تام نسبت به خداوند هستند.^۲

حب و بغض، اموری قلبی هستند و در ذات خود اختیاری نیستند. این حقیقتی است که قرآن و روایات نیز بدان اشاره دارند؛ چنان‌که خداوند، «مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ» است و دل‌ها به دست قدرت او دگرگون می‌شوند. با این حال، مقدمات این محبت یا دشمنی قلبی، در اختیار انسان است. انسان اگر راه توحید پیش گیرد، به بندگی روی آورد، در برابر الطاف الهی خضوع داشته باشد و نعمت‌های خداوند را به یاد آورد، محبت خداوند در دل او جوانه خواهد زد.

این محبت الهی، مقدمه‌ای است برای محبت به دوستان خدا و بغض نسبت به دشمنان او. محور اصلی در این دوست داشتن و دشمنی ورزیدن، حب و بغض فی‌الله است، نه حب و بغض‌های شخصی یا گروهی. بر همین اساس، اگر کسی از دایره بغض الهی خارج شود و به سمت محبت الهی حرکت کند، یعنی توبه نماید و نشانه‌های ایمان در او ظاهر گردد، اخوت و مسئولیت‌پذیری دینی در قبال او بار دیگر شکل می‌گیرد.

در آیه یازدهم سوره توبه تصریح شده که اگر مشرکان توبه کرده و مناسک دینی مانند نماز و زکات را انجام دهند، دیگر متعرض آنان نشوید و نه تنها مزاحم‌شان نشوید، بلکه گذشته‌ها را فراموش کرده با آن‌ها الفت گردد و برادرانه رفتار شود:

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأَخِوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُقِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾.^۳

بنابراین، محور اخوت و برادری دینی، حب و بغض الهی است. به محض این‌که فرد از این بغض خارج شود و در دایره محبین الهی قرار بگیرد، این مسئولیت ایمانی در قبال وی نیز جریان پیدا می‌کند.

حقوق و فضایل مسئولیت برادرانه

مسئولیت بر پایه اخوت و برادری دینی، حقوقی را برعهده طرفین قرار می‌دهد که باید

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۲. فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین فرانظریه یکپارچگی اخلاق، ص ۲۳۲-۲۳۰.

۳. سوره توبه، آیه ۱۱.

نسبت به آن‌ها پایبند باشند. از جمله این حقوق عبارت است از: حرمت داشتن جان و مال، جواب سلام دادن، خیرخواهی یاری دادن کمک کردن برآوردن نیاز آن‌ها، تکریم و گرمی داشتن آن‌ها، ایشار، گوشزدکردن عیب‌های یکدیگر، گذشت از لغزش‌های یکدیگر، دعا کردن به یکدیگر و نهی از منکر نمودن.

در حدیثی از رسول اکرم ﷺ، تصریح به این «حق» در رابطه «اخوت» شده است که مبتنی بر آن خون و مال دیگری، حرمت احترام دارد.

رسول الله ﷺ: أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُو الْمُسْلِمِ حَقًّا، لَا يَحِلُّ لِمَرِيٍّ مُسْلِمٍ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَمَالُهُ إِلَّا مَا أَعْطَاهُ بَطْنِيَّةٌ نَفْسٍ مِنْهُ؛^۱

هان! ای مردم، مسلمان، حقیقتاً برادر مسلمان است. خون و مال هیچ فرد مسلمانی بر هیچ فرد مسلمانی روا نیست، مگر آنچه او خود با رضایت خاطر، عطا کند.

بر پایه اخوت و برادری دینی، انسان مسئولیت‌پذیر، علاوه بر این‌که باید از خود گذر کند، باید رنگ الهی به خود بگیرد، حب و بغض الهی را معیار عمل قرار داد، برادری دینی در مسیر الهی باشد. در این مسیر، حقوق دیگران احترام دارند. انسانی که به این مرحله می‌رسد که از ذایل اجتناب کرده و به مقام اخوت رسیده است، به فضایی دست می‌یابد که ارزشمند است. برادران دینی مسئولیت دارند که برای حفظ دوستی با یکدیگر اصول اخلاقی مانند انصاف و مهربانی را به کار بگیرند و از ذایلی مانند حسادت در قبال یکدیگر، پرهیز کنند.

امام صادق علیه السلام: تَحْتَاجُ الْإِخْوَةُ فِيمَا بَيْنَهُمْ إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ، فَإِنْ اسْتَعْمَلُوهَا وَإِلَّا تَبَايَنُوا وَتَبَاغَضُوا، وَهِيَ: التَّنَاصُفُ، وَالتَّرَاحُّمُ، وَنَفْيُ الْحَسَدِ؛^۲

برادران در میان خود به سه چیز نیازمندند که اگر به کار بندند دوستی می‌یابد و گرنه از یکدیگر جدا و دشمن هم می‌شوند. آن سه چیز این‌هاست: انصاف با یکدیگر، مهربانی با یکدیگر، و حسد نبردن به هم.

از این منظر، فردی که فضایل اخلاقی را نداشته باشد، نمی‌تواند به فضیلت برادری دست یابد و بر پایه آن مسئولانه عمل کند.

امام علی علیه السلام: لَا تَظْلُبَنَّ الْإِخَاءَ عِنْدَ أَهْلِ الْجَفَاءِ، وَاطْلُبْنَهُ عِنْدَ أَهْلِ الْحِفَافِ وَالْوَفَاءِ؛^۳

۱. تفسیر القمی ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. تحف العقول، ص ۳۲۲.

۳. غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۷۶۵.

برادری را هرگز در میان جفاپیشگان مجوی، بلکه آن را در میان انسان‌های قدرشناس و باوفا بجوی.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجُهُ: الْحَيَاءُ، وَالْأَمَانَةُ، وَالصِّدْقُ. وَإِذَا لَمْ تَرَهَا فَلَا تَرْجُهُ؛^۱

اگر سه خصلت در برادر خود دیدی بدو امید ببند: حیا، امانتداری و راستی. اگر این سه را ندیدی به او امید مبیند.

بنابراین، در نظام اخوت و برادری دینی، اسلام و ایمان، موجب فضیلتی در فرد عامل و نیز حق و حقوقی در قبال دیگران (به خصوص اهل اسلام و ایمان) می‌گردد. فرد باید حقوق دیگران، به خصوص برادران دینی را مراعات کند؛ از رذایل اخلاقی در این مسیر بپرهیزد و بر مدار فضایل اخلاقی در قبال دیگران رفتار کند. مسیر اخوت و برادری دینی «گذشتن از خود»، «برای دیگری» و «به خاطر خداوند» است.

نتیجه‌گیری

بر پایه تبیین انجام شده از نظام اخوت و برادری دینی، انسان در مراتب نخستین اخوت باید بکوشد تا از غرایز طبیعی، خودمحوری و طمع نسبت به دیگران فاصله گیرد. به واسطه الفت و انس الهی، با برادران دینی الفت و انس گیرد، از خویشتن فاصله بگیرد و دیگران را همانند پیکر واحدی در مسیر حب الهی بداند که نسبت به آنان مسئولیت‌پذیر باشد. در این جا است که مسئولیت‌پذیری دینی شکل می‌گیرد. ریشه مسئولیت‌پذیری برخاسته از نظام اخوت و برادری دینی صرفاً تشریعی نیست، بلکه امری تکوینی است که خداوند متعال در نهان انسان نهاده است. هم در طینت انسان، پیوند و تعلق خاطر با دیگران وجود دارد و هم این که خداوند متعال نعمت الفت و برادری را در قلوب انسان‌ها می‌گذارد تا در قبال یکدیگر مسئولانه رفتار کنند.

وجه اصلی مفهوم برادری و مسئولیت حاصل از آن، بر پایه نقش خداوند است؛ به همین جهت «حب و بغض فی الله» تأثیر مستقیمی بر «اخوت و برادری دینی» دارد. انسان باید با رفع رذایل اخلاقی، به فضایل و حقوق دیگران توجه ویژه‌ای داشته باشد. در این منظر، برادران دینی دارای حقوق خاص و ویژه‌ای هستند.

۱. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۹۰.

کتابنامه

- قرآن کریم
 إحياء علوم الدين، محمد بن محمد، غزالي، بي جا، دارالكتاب العربي، بي تا.
 الاخلاق، عبدالله شبر، قم، هجرت، ۱۳۷۴ ش.
 الأمالي، محمد بن حسن طوسي، تحقيق وتصحيح: مؤسسة البعثة، قم، دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
 المحجة البيضاء، محمد بن شاه مرتضى فيض كاشاني، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۷ ق.
 المؤمن، حسين بن سعيد كوفي اهوازي، قم، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۴ ق.
 الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق: دارالحديث، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
 الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
 تحف العقول، حسن بن علي بن شعبه حرّاني، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۴ ق.
 تفسير نور، محسن، قرائتي، تهران، مركز فرهنگي درس هايي از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
 تفسير القمي، علي بن ابراهيم قمي، تحقيق وتصحيح: طيّب موسوي جزائري، قم، دارالكتاب، ج ۳، ۱۴۰۴ ق.
 تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازي و جمعي از نويسندگان، تهران، دارالكتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
 دانش نامه قرآن و حديث، محمد محمدی ری شهری، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۱ ش.
 مجمع البيان في تفسير القرآن، فضل بن حسن، طبرسي، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
 ميزان الحكمة، محمد محمدی ری شهری، ترجمه: حمیدرضا شیخی، چاپ اول، قم، دارالحديث، ۱۳۷۹ ش.
 غرر الحكم و درر الكلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، دارالكتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ ق.

فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین فرانظریه یکپارچگی اخلاق، هادی صادقی، قم، کتاب طه و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۹ ش.

کنز الفوائد، محمد بن علی، کراچکی، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، قم، مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق.

«نظریه سازمانی و مدیریتی مبتنی بر اصل اخوت»، علی آقاصفیری، مطالعات قرآن و علوم، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ش ۳.

«اخوت ایمانی در آموزه‌های اسلامی»، رضا وطن دوست، الهیات و حقوق، پاییز ۱۳۸۴، ش ۱۷ (ص ۱۸۷ - ۲۱۲).

«اخوت انسانی و پیامدهای اخلاقی آن در عرصه جهانی (برپایه اندیشه آیه الله جوادی آملی)»، حبیب الله بابایی، حکمت اسراء، پاییز ۱۳۹۱، ش ۱۳ (ص ۷ - ۲۵).

«اخوت دینی مخالف در فقه امامیه»، محمد علی راغبی؛ محمد نوذری فردوسی؛ علی حسن خانی، فقه، تابستان ۱۴۰۱، سال بیست و نهم، ش ۱۱۰ (ص ۱۷۸ - ۲۰۵).

